سرمقاله

امنیت مهمترین دغدغه سال جدید

حفیظ الله ذکی

امنیت در افغانستان به یک مشکل لاینحل و همیشگی بدل شده است که هیچ راهکاری نتوانسته دامنه ناامنی در کشور را محدود بسازد. پیروزی مجاهدین امیدواری های زیادی را برای تأمین امنیت و حاکمیت یک حکومت فراگیر و عادلانه خلق کرد؛ اما هنوز چند ماهی از عمر این حکومت نگذشته بود که اختلافات فاحش درونی آن را به فروپاشی کشاند و سبب آغاز دوباره جنگ داخلی در کشور گردید.

دوام این جنگ زمینه حضور و حاکمیت طالبان را در کشور فراهم کرد و مردم به دلیل خستگی از جنگ به نیروهای طالب امید بستند. طالبانی که خود را فرشته های صلح معرفی کرده بودند. حاکمیت طالبان اما با سیاه ترین رویدادهای تاریخی در افغانستان همراه گردید. حاکمیت انحصاری، خودکامه و عاری از هرگونه عقلانیت، دخالت در زندگی خصوصی افراد و نفوذ در تمامی شبکه های حیات اجتماعی، قتل، تبعیض، غارت، وحشی گری و بی قانونی، مهاجرت های اجباری و سیستماتیک از جمله ویژگی های امارت خود خوانده طالبانی به شمار می آمد.

مردم از ظلم و ستم طالبان نیز به ستوه آمد. حمله یازدهم سپتامبر اگرچه یک رویداد تلخ انسانی را در آمریکا رقم زد؛ اما سرآغاز فصل تازه سیاسی در افغانستان گردید. کنفرانس بن راه را برای تشکیل حکومت فراگیر و مورد قبول همگان هموار نمود. به دنبال تشکیل حکومت حضور جامعه جهانی و کمک های هنگفتی که برای بازسازی و تأسیس نهادهای قانونی اختصاص یافت، چشم انداز یک آینده بهتر و عاری از خشونت را به روی مردم افغانستان ترسیم کرد. اما افغانستان در این فصل نیز با موجی از خشونت ها و جنگ های بیرحمانه روبرو گردید. جنگی که اکنون پانزده سال است بربادی افغانستان و از بین بردن رفاه و آسایش مردم آن را هدف قرار داده است. حضور نیروهای بین المللی و حمایت های آموزشی و تسلیحاتی آن نیز نتوانست از میزان نا امنی در این کشور بکاهد. جنگ افغانستان به طولانی ترین جنگ آمریکا و ناتو در خارج از مرزهایش تبدیل شد و این جنگ طولانی در نهایت کشورهای عضو ناتو را وادار نمود تا خروج زمانبندی شده از افغانستان را برنامه ریزی کنند. این برنامه با واقعیت های امنیتی کشور همخوانی نداشت؛ بلکه تنها خواست سیاستمداران بود که متأسفانه با سیاست های خام و ناسنجیده مقامات حکومتی افغانستان هماهنگ گردید و راه آبرومند خروج نیروهای بین المللی از افغانستان را آماده کرد.

افغانستان یک سال پس ازخروج نیروهای بین المللی دشوار ترین روزهای خود را سپری کرد. ناامنی افزایش پیدا کرد و میدان جنگ از جنوب به طرف شمال کشور تغییر کرد. سطح تهدیدها از روستاها و قریه ها به ولسوالی ها و ولایت ها کشانیده شد.

اکنون نگرانی جدی نسبت به امنیت افغانستان در سال آینده وجود دارد. آیا میزان تهدید طالبان و داعش همچنان پابرجا باقی خواهند ماند؟ آیا با وارد شدن عملی داعش در جنگ های رویاروی دامنه خشونت گسترش خواهد یافت؟ آیا امیدی به مذاکرات چهارجانبه صلح و روند گفتگوهای سیاسی وجود دارد؟ آیا افغانستان ناخواسته به صحنه جنگ های نیابتی کشورها تبدیل نخواهد شد؟

به هر حال امیدواری کمی نسبت به بهبود امنیت در افغانستان وجود دارد. خطر داعش و طالبان را نمی توان کم اهمیت جلوه داد و یا به حاضر شدن آنها به پای میز مذاکره امید بست. جنگ در سال آینده با شدت بیشتری دوام خواهد یافت. مسأله مهم این است که ما تا چه حد برای مقابله با تهدیدات امنیتی در کشور آمادگی داریم. ظرفیت های ما از نظر کمی و کیفی چگونه است. آیا نهادهای امنیتی توانسته اشتباهات گذشته را شناسایی کنند؟ آیا برای جبران و جلوگیری از تکرار آن تدابیری سنجیده است؟ یک نکته قابل توجه در زمینه امنیت افغانستان این است که رویکردهای جامعه جهانی نسبت به افغانستان تغییر کرده است. جامعه جهانی با تجربیاتی که از خروج زود هنگام نیروها در عراق کسب کرده است و با توجه به خطرات شبکه های تروریستی برای امنیت منطقه خواهان کمک های بیشتری برای افغانستان است و حتا می خواهند سیاست های گذشته شان را اصلاح نمایند. حضور فعالتر جامعه جهانی در افغانستان تا حدودی رؤیای گروه های هراس افگن در افغانستان را آشفته می سازد.

استراتژی آمریکا در افغانستان و بدتر شدن اوضاع امنیتی

رحیم حمیدی

جان نیکولسون، فرمانده نیروهای زمینی ناتو است. او به عنوان فرمانده نیروهای بین المللی به جای جان کمبل در افغانستان معرفی شده است. او برای این مقام نیازمند تایید کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا می باشد. او جدیدا، با کمیته نیرو های مسلح سنای آمریکا دیدار نموده است. در دیدار با کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا به چند مسئله اشاره نموده است. او اوضاع امنیتی افغانستان را به خاطر ظهور داعش و پیشرفت های جدید گروه طالبان رو به وخامت دانسته است. او یکی از دلایل رشد ناامنی در افغانستان را وجود پناهگاههای امن در خاک پاکستان دانسته است. جان نیکولسون زمانی به عنوان فرمانده جدید نیروهای بین المللی در افغانستان معرفی شده است که چند روز قبل، پنتاگون، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا فرمان حمله بر مواضع داعش را صادر نمود. در عین حال، چندی پیش، رئیس جمهور با هیئت از سنای آمریکا دیدار نمود و در آن دیدار هیئت سنای آمریکا متعهد به کمک به نیرو های هوایی افغانستان شد. چند روز بعد از این دیدار، ایالات متحده آمریکا چهار فروند هواپیمای A-۲۹ را به نیروهای هوایی افغانستان تسلیم نمود. کمک به نیروی هوایی افغانستان، تغییر فرمانده نیروهای بین المللی و دستور حمله بر مواضع داعش از طرف پنتاگون بیانگر آوردن دگرگونی در تاکتیک جنگی و استراتژی نظامی ایالات متحده آمریکا در مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی است.

نیروهای بین المللی با رهبری ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۱ میلادی به منظور سرکوب و منکوب کردن تروریسم وارد افغانستان شد. نیروهای بین المللی با همکاری اتحاد شمال در ظرف چند ماه کنترل بخش های زیادی از خاک افغانستان را به دست گرفت. آن ها، پیروزی در افغانستان را قطعی دانسته و جنگ افغانستان را در پایان یافته می دانستند. به همین منظور، با آسودگی تمام طرح حمله به عراق را پیش کشیدند. اکنون، پانزده سال از آغاز جنگ در افغانستان می گذرد اما نه تنها گروه های تروریستی و حامیان آن ها سرکوب و منکوب نشده است بلکه در سال های اخیر ما با بازگشت گروه های تندرو و حامی تروریسم مواجه می باشیم. گروه طالبان، به صورت مقطعی توانست کنترل شهر کندز را به دست گیرد. نیروهای امنیتی را در ولسوالی سنگین ولایت هلمند تحت فشار و محاصره چند روزه قرار دادند. در هر دو مورد، نیروهای بین المللی مستقر در افغانستان به کمک نیروهای امنیتی افغانستان شتافتند.بازگشت گروه طالبان به میدان های جنگ نشان می دهد که نیروهای بین المللی و ایالات متحده آمریکا تصویر خام از جنگ افغانستان داشته است.

ایالات متحده آمریکا در پایان سال ۲۰۰۲ و اوائل سال ۲۰۰۳ جنگ افغانستان را خاتمه یافته می دانستند.در عین حال، آن ها هیچ طرحی برای آوردن ثبات و شکل دهی یک حکومت مرکزی قدرتمند نداشتند. برای همین، در سال های اول برای ایجاد نیروی امنیتی تحت کنترل حکومت افغانستان آن ها بیشتر جنگ سالاران را کمک نمودند و از نیروهای سران مجاهدین در مبارزه با گروه طالبان و شبکه القاعده استفاده نمودند. این یک اشتباه بزرگ برای آوردن ثبات و شکل دهی حکومت مرکزی در افغانستان بود. در سال ۲۰۰۳ وقتی ایالات متحده آمریکا به عراق حمله نمودند گروه طالبان حملات خود را گسترش دادند. جامعه جهانی بعد از آن به تشکیل اردو و پلیس ملی افغانستان پرداخت. حمایت از سران مجاهدین و بی توجهی به ایجاد اردو و پلیس ملی اولین اشتباه استراتژیک ایالات متحده آمریکا در افغانستان بود.

اردو و پلیس ملی افغانستان ایجاد شد اما آموزش و تجهیز آن ها به کندی پیش رفت. این در حالی بود که نیروهای ایالات متحده آمریکا برای مبارزه با تروریسم به باور بسیاری کافی نبود. بعدا که باراک اوباما به عنوان رئیس جمهور آمریکا روی کار آمد تعداد نیرو های آمریکایی در افغانستان به صورت چشمگیر افزایش یافت. با این حال، همچنان آموزش و تجهیز اردو و پلیس ملی افغانستان به عنوان یک امر مهم در استراتژی نظامی ایالات متحده آمریکا جای نداشت.به همین خاطر، زمانی که مأموریت نظامی نیروهای بین المللی در افغانستان پایان یافتند و مسئولیت تأمین امنیت به نیروهای امنیتی افغانستان واگذار شد، ناامنی گسترش یافت.نتیجه بی توجهی به نیروهای امنیتی افغانستان گسترش دامنه و قلمرو ناامنی و سال سخت و خونین نیروهای امنیتی افغاستان در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ بود.

آنچه در این میان بیش از همه مورد غفلت واقع شد نیروهای هوایی افغانستان بود. نیروهای هوایی افغانستان به جز چند چرخبال که جدیدا که از سویی هند و ایالات متحده آمریکا داده شده است، هیچ هواپیمایی جنگی نداشت. به همین خاطر، زمانی که نیروهای امنیتی جنگ سخت و طاقت فرسا با گروه های تروریستی داشت از نیروهای بین المللی مستقر در افغانستان کمک می خواست.

اکنون با کمک ها و جابجایی ها به نظر می رسد که دگرگونی در استراتژی و تاکتیک جنگی آمریکا در مبارزه با تروریسم به وجود می آید. این دگرگونی اگر چه دیر شد اما لازم است. زیرا، ما همچنان دستاورد های بیش از یک دهه گذشته را از دست نداده ایم. ما می توانیم این دستاورد ها را حفظ کنیم.به نظر می رسد که از هم اکنون برخی از جنبه ها و ابعاد دگرگونی در استراتژی ایالات متحده آمریکا در مبارزه با تروریسم روشن شده است.جان نیکولسون، در دیدار با کمیته نیروی مسلح سنای آمریکا گفته است که پناهگاه های شبکه حقانی و دیگر گروه های شورشی همچنان در خاک پاکستان وجود دارد و ایالات متحده آمریکا فشار لازم را بر حکومت پاکستان وارد ننموده است. حمایت پاکستان از گروه های شورشی در افغانستان یک واقعیت انکارناپذیر است.بنابراین، این احتمال وجود دارد که در سال های پیش رو فشار ایالات متحده آمریکا بر پاکستان مبنی بر سرکوب گروه های دهشت افکن و پاکسازی پناهگاه ها افزایش یابد. با این حال، معلوم نیست که فشار ها تا چه اندازه نتیجه بخش خواهد بود.

بخش دیگر دگرگونی در استراتژی آمریکا حمایت از نیروی هوایی افغانستان می باشد.سقوط کندز و در تنگنا قرار گرفتن نیروهای امنیتی افغانستان در میدان جنگ این واقعیت را برملا کرد که نیروهای زمینی افغانستان بدون حمایت نیروی هوایی قادر به حفظ و سرکوب نیروهای شورشی نیست و نیروهای بین المللی برای همیشه نمی تواند اردو و پلیس ملی را کمک هوایی نماید. به همین خاطر، ۴ فروند هواپیمای A-۲۹ به نیروی هوایی کشور کمک نمود.

در سال پیش رو، بناست چندین هواپیمایی جنگی دیگر نیز به نیروی هوایی افغانستان سپرده شود.تجهیز نیروی هوایی افغانستان برای مبارزه با تروریسم یک امر ضروری است. این شاید تنها راه برای پایان جنگ افغانستان برای ایالات متحده آمریکا باشد. اکنون راهی جز تقویت و بالا بردن ظرفیت نیروهای امنیتی افغانستان و به خصوص نیروی هوایی افغانستان متصور نیست.

با این حال، جنگ بیش از یک و نیم دهه در افغانستان چند مسئله را روشن نموده است. برای حفظ حکومت و ارزش ها و دستاورد های بیش از یک دهه نیازمند حضور دراز مدت نیروهای بین المللی در افغانستان می باشیم. برای پایان دادن به مأموریت نظامی نیروهای بین المللی در افغانستان و پایان جنگ آن ها در افغانستان راهی جز آموزش، تجهیز نیروهای امنیتی افغانستان نیست.سومین واقعیت این است که ایالات متحده آمریکا و دیگر کشور های درگیر جنگ در افغانستان باید به حکومت پاکستان برای آوردن صلح و ثبات در افغانستان فشار آورد. زیرا، تا زمانی که رابطه سازمان های استخباراتی پاکستان با گروه های دهشت افکن قطع نگردد، دست یابی به صلح و آوردن ثبات یک امر آرمانی و دست نیافتی باقی می ماند.

کشورهای در حال توسعه چالش های سازمان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی تنها نهاد بین المللی است که صرفا به منظور بررسی روابط تجاری بین کشورها تاسیس شده است. این سازمان در اول ژانویه ۱۹۹۵ و بدنبال هشت سال مذاکره رسما جایگزین گات (موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت) شد.

سازمان تجارت جهانی مجموعه ای از موافقتنامه ها و مقرراتی است که توسط بسیاری از کشورها امضا شده و در پارلمان های آنها به تصویب رسیده است. هدف از تاسیس این سازمان ایجاد تسهیلات بیشتر برای صادرات و واردات کالا و خدمات بین ملت های مختلف می باشد. بیش از سه چهارم از ۱۴۸ عضو سازمان تجارت جهانی را کشورهای غیرتوسعه یافته تشکیل می دهند. عضویت در سازمان تجارت جهانی معمولا بدنبال مذاکرات طولانی و تغییرات فراوان در نظام قانونگزاری کشورهای متقاضی صورت می گیرد. برای نمونه کشور چین پس از ۱۴ سال مذاکره فشرده با اعضای مختلف گات و سپس جانشین آن سازمان تجارت جهانی بخصوص آمریکا و اتحادیه اروپا سرانجام توانست به عضویت این سازمان دست یابد. روسیه نیز پس از نه سال مذاکره هنوز نتوانسته پیش نیازهای عضویت در سازمان تجارت جهانی را بطورکامل برآورده نماید. متقاضیان عضویت در سازمان تجارت جهانی امیدوارند که با ادغام در سیستم بازرگانی بین المللی به ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی بیشتری دست یابند. اما مطالعه عملکرد اقتصادی کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی حاکی از نتایج مختلفی است که عاید این کشورها شده است. کشورهایی که دارای بنیه اقتصادی ضعیفتری بوده اند با اجازه ورود به شرکت های خارجی صنایع داخلی خود را در شرایط دشواری قرار داده اند. برای نمونه صنایع خودروسازی مراکش که از نخستین اعضای سازمان تجارت جهانی بوده است، با ورود خودروهای اروپایی صدمات زیادی متحمل شدند. اما از سوی دیگر چین با تغییر تدریجی سیاست های اقتصادی حمایت جویانه خود نظیر یارانه ها تجربه بهتری از عضویت در سازمان تجارت جهانی داشته است. یکی از مهمترین مشکلات سازمان تجارت جهانی نه برقراری ثبات در روابط تجاری دولتها، بلکه ایجاد ثبات در سیاست های تجاری در داخل کشورهاست. کشورهای متقاضی عضو سازمان تجارت جهانی برای انطباق قوانین داخلی خود با مقررات این سازمان دشواریهای زیادی روبرو بوده و گاه مجبور به تصویب، تغییر و بازنگری هزاران قانون و لایحه حقوقی می شوند. «وران هانگ» (۱) کارشناس امور حقوقی در موسسه صلح کارنگی که مقالات متعددی درباره ابعاد حقوقی عضویت چین در سازمان تجارت جهانی نگاشته، در مصاحبه با واشنگتن پریزم اظهار داشت مهمترین چالش متقاضیان این سازمان دشواری اجرای کامل مقررات و تعهدات مربوطه است. پکن با وجود آنکه قریب به سه هزار قانون و لایحه را تغییر داده است، همچنان دچار مشکلات متعددی با مقامات محلی برای اجرای تعهدات خود در قبال سازمان تجارت جهانی بوده و با شکایت های متعددی از سوی سایر اعضا روبرو می باشد. به گفته هانگ بزرگترین درسی که باید از تجربه چین آموخت «اهمیت آمادگی قبلی» برای عضویت در این سازمان می باشد. با وجود آنکه چین سالها برای ورود به بازارهای جهانی برنامه ریزی و تلاش کرد اما هنوز هم با مشکلاتی جدی نظیر افزایش شدید شکاف بین فقیر و غنی و بیکاری فزاینده روستائیان مواجه است.

البته منتقدانی نظیر نوام چامسکی استاد دانشگاه ام آی تی اساس سازمان تجارت جهانی را مغایر با منافع کشورهای غیر توسعه یافته دانسته و معتقدند که مقررات این سازمان بخصوص حق مالکیت های معنوی مانعی بزرگ در جهت توسعه پایدار کشورها بوده و آنها را از رشد اقتصادی و خلاقیت فکری باز می دارد.

چامسکی در مقالات متعدد خود با نگاهی تاریخی به الگوهای توسعه یافتگی کشورهای پیشرفته نظیر آمریکا خاطرنشان می کند که اگر قوانین سازمان تجارت جهانی در قرون گذشته حاکم بود امکان توسعه این کشورها نیز وجود نداشت.

اما از نگاه بنیانگذاران و حامیان سازمان تجارت جهانی تبادل آزاد کالا و خدمات در دنیا به افزایش رشد اقتصادی ملت ها، ارتقای سطح زندگی مردم، ترویج دمکراسی و بالاخره برقراری صلح و ثبات در جهان منجر می شود. موافقان سازمان تجارت جهانی تاکید می کنند که تعهد کلیه اعضا به اجرای قوانین این سازمان به تدریج موجب بهبود نظام قضایی آنها، برقراری حکومت قانون و هماهنگی بیشتر با جامعه بین المللی خواهد شد. این امر به نوبه خود کشورهای دیکتاتوری و استبدادی را به سوی جامعه پذیری سوق داده و آنها را مجبور خواهد کرد که نه فقط درهای اقتصادی بلکه دروازه های نظام سیاسی خود را نیز گشوده و دمکراتیزه نمایند. اما نگاهی به نظام سیاسی بسیاری از کشورهای عضو که چندان هم دمکراتیک نیستند نشان می دهد که پیوستن به سازمان تجارت جهانی لزوما و یا حداقل در کوتاه مدت به برقراری یک دمکراسی تمام عیار در کشورها نمی انجامد.

نظام تصمیم گیری در سازمان تجارت جهانی

بر خلاف گات که در آن مخالفت تنها یک کشور برای جلوگیری ازصدور یک حکم کافی بود، در سازمان تجارت جهانی هیچ کشوری امکان وتو ندارد. به بیان دیگر در گات برای تصویب یک حکم همه اعضا باید به اجماع می رسیدند در حالیکه در سازمان تجارت جهانی به عکس، برای رد یک حکم همگی باید به توافق دست یابند.

گرچه سازمان تجارت جهانی بر اساس اصل «یک کشور، یک رای» استوار است، واقعیت امر این است که کشورهای بزرگ و پیشرفته قدرت های مسلط بر این سازمان بوده و اثر قاطعی بر تصمیم گیری های آن دارند. مطابق موافقتنامه این سازمان برخی مذاکرات تنها بین بزرگترین تولید کننده و بزرگترین خریدار هر کالا صورت گرفته و نتیجه آن معمولا شامل حامل سایر کشورها نیز می شود. با توجه به آنکه آمریکا و اتحادیه اروپا دو قدرت بزرگ اقتصادی دنیا هستند طبیعی است که آنها در همه مذاکرات یا خریدار اصلی و یا تولید کننده اصلی کالا باشند. حضور یک کشور درحال توسعه در این مذاکرات به ندرت رخ می دهد و به این ترتیب سازو کار مذاکرات به گونه ای است که نفوذ آمریکا و اتحادیه اروپا در تصمیم گیری ها و مقررات سازمان تجارت جهانی به مراتب بیش از سایر اعضا باشد. علاوه بر این، نحوه تفسیر این مقررات نیز با نگرش اتحادیه اروپا و آمریکا تفاوت چندانی ندارد. برای نمونه بیش از نود درصد از اختلافاتی که در سازمان تجارت جهانی مطرح شده به نفع آمریکا خاتمه یافته است.

از سوی دیگر باید در نظر داشت که نماینده تجاری آمریکا در سازمان تجارت جهانی تحت فشار کنگره این کشور می باشد که آن نیز به نوبه خود تحت نفوذ فراوان صنایع داخلی و اتحادیه های تجاری بزرگ می باشد. به بیان دیگر منافع شرکت های بزرگ آمریکا تاثیر قابل توجهی در جهت گیری سازمان تجارت جهانی می تواند داشته باشد. فاتوماتا جوارا و آیلین کوا در کتاب «پشت صحنه سازمان تجارت جهانی» (۲) خاطرنشان می کنند که بر خلاف نظام چند جانبه تصمیم گیری ها در سازمان تجارت جهانی، آمریکا و اتحادیه اروپا با برپایی جلسات دو جانبه، بسیاری از موارد و موضوعات مورد علاقه و یا اختلاف خود را بررسی و حل و فصل کرده و عملا دستور کار مذاکرات سازمان را شکل می دهند. به همین علت در نشست های سازمان تجارت جهانی کمتر توجهی به مسائلی نظیر دسترسی کشورهای جنوب (در حال توسعه) به بازار محصولات کشاورزی کشورهای شمال که برای کشورهای در حال توسعه از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد، شده است. کشورهای توسعه یافته به خواست کشورهای در حال توسعه در زمینه کاهش تعرفه های گمرکی برای محصولات کشاورزی وقعی ننهاده اند. به نوشته جوارا و کوا برخی کشورهای توسعه یافته با بکارگیری شیوه هایی نظیر «تهدیدهای شخصی» ، «تطمیع» و «تفرقه بینداز و حکومت کن» کشورهای فقیر و سفرایشان را وادار به پذیرش خواست های خود می کنند. با توجه به این مشکلات و موانع، کشورهای در حال توسعه باید «با سوار شدن بر پشت» یکی از چهار عضو مهم سازمان تجارت جهانی یعنی آمریکا، اتحادیه اروپا، کانادا و ژاپن، اتحاد با سایر اعضا و نیز استفاده هوشمندانه از اهرم های فشار سیاسی، اقتصادی و استراتژیک خود به خواستهایشان در این سازمان دست یابند. و این درس مهم دیگری است که متقاضیان عضویت در سازمان تجارت جهانی باید بیاموزند.

زیرنویسها

Veron Hung Fatoumata Jawara and Aileen Kwa, Behind the Scenes at the WTO: the Real World of International Trade Negotiations, London: Zed Books, ۲۰۰۴.

منبع: سایت آفتاب

کارتون روز

نگاه روز - شهروندان پایتخت

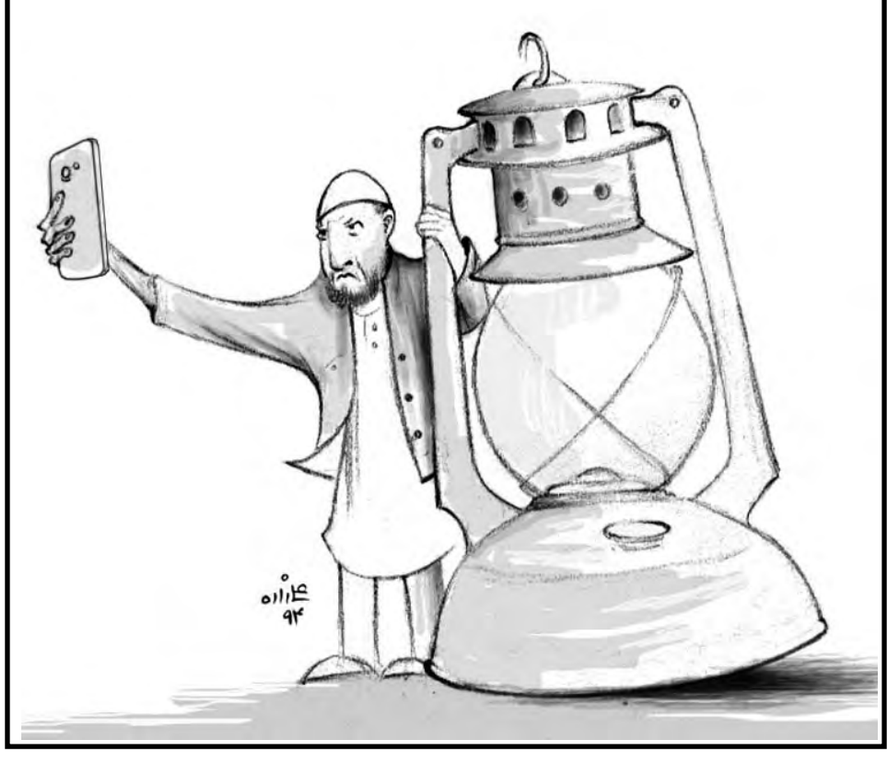

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook Afghanistan The Leading Independent Newspaper

❑صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳۴۱۸۶۱
❑سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
❑ کاریکاتوریست: خالق علی زاده
❑دیزاین:علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

روزنامۀافغانستان از همۀ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدۀ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com